

روحانیان گُرد اهل سنت و دغدغه شناسایی: مطالعه کیفی کنش‌ورزی سیاسی روحانیان اهل سنت در گُردستان ایران*

امید قادرزاده^۱، دنیا محمدی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۴، تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۷/۰۴)

چکیده

با وجود پیوند دین و سیاست در دوره جمهوری اسلامی و مشارکت فعالانه‌ی روحانیان اهل تشیع در سیاست، کنش‌ورزی سیاسی روحانیان اهل سنت در گُردستان وجوه متفاوتی پیدا کرده است. پژوهش حاضر در نظر دارد تا با واکاوی تجربه و درک نمونه‌ای از روحانیان اهل سنت سنندج به شناسایی شکل‌های کنش‌ورزی سیاسی روحانیان، بسترهای موجود موثر و پیامدهای آن بر زندگی فردی و اجتماعی بپردازد. این پژوهش، با رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای انجام شده است و طی آن با ۲۷ نفر از روحانیان سنندج مصاحبه بعمل آمده است. نتایج پژوهش مبین آن است که بسترهایی چون «محرومیت از شهروندی و حقوق اجتماعی»، «اختلال روابط نهادی»، «زوال مدارای مذهبی و هویتی»، «بی‌اعتمادی سیاسی» و «محدودیت منابع در دسترس» عرصه را برای کنش‌ورزی سیاسی روحانیان و ائمه جماعت در سنندج محدود ساخته است. از این‌رو، تجربه و درک روحانیان با احساس بی‌قدرتی سیاسی همراه بوده است و به‌رغم دغدغه‌های سیاسی و تأکید بر تشکیل‌یابی سیاسی به‌مثابه ضرورت فعالیت سیاسی، آن‌ها از مجاری نهادی برای پیگیری مطالبات ناامید بوده و به لحاظ سیاسی منزوی و با ناامیدی از صندوق رأی، به کنش‌های فرهنگی روی آورده‌اند. کنش‌ورزی سیاسی برای روحانیان پیامدهایی چون «محرومیت اجتماعی»، «وابستگی به مردم» و «زوال اعتماد عمومی» به همراه داشته است که ناظر بر مقوله‌ی هسته‌ی «اختلال و نابرابری در شناسایی» است.

کلیدواژه‌ها: کنش سیاسی، روحانیان اهل سنت، محدودیت منابع در دسترس، طرد سیاسی، اختلال و نابرابری در شناسایی.

Doi: <http://10.22034/JSI.2022.554486.1584>

* مقاله علمی پژوهشی؛

۱ دانشیار جامعه‌شناسی سیاسی و پژوهشگر پژوهشکده گُردستان شناسی، دانشگاه گُردستان، سنندج، ایران
(نویسنده مسئول)؛
o.ghaderzadeh@uok.ac.ir

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه گُردستان، سنندج، ایران؛
d.mohammadi1995@gmail.com

مقدمه و بیان مساله

از قشرها و نیروهای اجتماعی اثرگذار در سیاست، «روحانیت» است. در ایران، از حکومت صفویه به بعد، روحانیت شیعه جزء نیروهای سیاسی با نفوذ به‌شمار می‌آید و این قدرت در دوران حکومت قاجار بیشتر نیز شد (بشیریه، ۱۳۹۶: ۲۲۱). با اعمال سیاست‌های عرفی‌سازی در دوره پهلوی، روحانیان از ساحت سیاسی و قضاوت کنار گذاشته شدند و با انقلاب اسلامی ایران، جایگاه روحانیان در ساحت سیاسی تثبیت گردید.

روحانیان اهل سنت در دوران مشروطه در گُردستان به سرکردگی «شیخ محمد مردوخ گُردستانی»، اقدام به تأسیس انجمن‌هایی سرتی، از جمله «انجمن صداقت»، «انجمن کارگران»، «انجمن حقیقت»، «انجمن اخوت»، «انجمن صلاح» و...نموده و به تبلیغ مشروطیت و روشنگری پیرامون آن می‌پرداختند. روحانیان اهل سنت (خصوصاً شافعی‌مذهب) بر طبق عقاید خود، پادشاه را اولوالامر دانسته، اطاعت اوامر حکام را واجب شرعی و قیام بر ضد دولت را بر خود حرام می‌دانستند (مردوخ گُردستانی، ۱۳۹۵: ۴۲۲ - ۵۶۵). مدل مورد تأیید روحانیان اهل سنت، سلطنت مقید، یا مشروطه‌ی تحت قیمومیت شاه بود. ولی با پا گرفتن مشروطه، دو نهاد «سلطنت» و «دیانت» تضعیف شدند (آجودانی، ۱۳۸۳: ۱۶۹ - ۱۷۲)؛ امری که از مقدمات ورود مدرنیته با محوریت دموکراسی، همگرایی ملی، توسعه‌ی عدالت و برقراری حقوق شهروندی حکایت داشت (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۴۵). پس از این دوره و در اوایل قرن بیستم، حاکمیت در ایران صبغهای غربی و عرفی پیدا کرد (فوران، ۱۳۷۸: ۳۷۳). سیاست‌های هویت-سازی دوره پهلوی در پی ادغام و همانند سازی فرهنگ‌ها و اقوام در داخل هویتی یکسان بود و با اعمال تبعیض و اجرای توسعه‌ی نابرابر، منجر به ایجاد حس تبعیض و محرومیت در بین گروه‌های قومی و مذهبی و پدیدار شدن «جنبش‌های مقاومت قومی و مذهبی» شد. از مصادیق چنین مقاومت‌هایی می‌توان به تأسیس جمهوری گُردستان در مهاباد، به رهبری «قاضی محمد» در سال ۱۳۲۴ شمسی اشاره نمود (Van Bruinessen, 1992:42). نقش مهم شیخ و رهبر معنوی در نظم قبیله‌ای گُردستان، کسانی را که دارای وابستگی اسلامی در گُردستان بوده‌اند، در موقعیت برتری قرار می‌داده است (Ezzatyar, 2016:45).

به‌رغم همراهی مذهبیون اهل سنت در انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، روحانیان اهل سنت در ایران، شرایط متفاوتی از همتایان اهل تشیع را تجربه نموده‌اند. با تصویب قانون اساسی مبتنی بر ولایت فقیه، دولت رسماً خصلتی دینی یافت و رهبری سیاسی کشور در دست روحانیان و علمای

شیعی قرار گرفت. حکومت در پی هویت‌سازی نوینی بر اساس هنجارهای مذهبی، به ترویج هویت ملی به صورت «هویت اُمت اسلامی ایران» مبادرت ورزید (بشیریه، ۱۳۸۳: ۵ - ۱۲۲). مسأله‌ای که اقوام کُرد، ترکمن و بلوچ (که عمدتاً پیرو مذهب سنت بودند) را در وضعیت جدیدی قرار داد و کنش‌ورزی سیاسی بر مدار قومیت و مذهب را تشدید و بدان خصلت مقاومت‌گونه بخشید. در مناطق اهل سنت، به دلیل ساخت محدود فرصت‌های سیاسی، همواره عرصه برای بیان و طرح خواسته‌های مذهبی و قومی با دشواری‌هایی همراه بوده است و با غیریت‌سازی مطالبات قومی و مذهبی، مذهب و قومیت به سپر محافظتی بدل شده است. بی‌جهت نیست که در صد سال گذشته، همواره مساجد و روحانیان به مرجع و مجرای هویت‌یابی و مقابله با هویت مسلط و رسمی بدل شده است و کنش‌های همراهانه‌ی روحانیان با حاکمیت با فراز و فرودهایی همراه گشته است و با متراکم شدن شکاف‌های قومی و مذهبی، اسلام‌گرایی، به نیروی اجتماعی اثرگذار در کُردستان بدل شده است.

اسلام‌گرایی به‌مثابه یکی از منابع مهم هویت‌یابی و معنابخشی در کنار گفتمان ناسیونالیستی و سوسیالیستی، از پویس‌های سیاسی و اجتماعی فعال در کُردستان به حساب می‌آید که نخستین بار در دهه‌ی پنجاه شمسی به وجود آمد. نکته‌ی حائز توجه این است «اگر چه دین غالب کُردها اسلام است، اما با توجه به دو‌گرایی بزرگ شیعه و سنی، شاهد کنش‌های سیاسی متفاوت و بعضاً متضادی در میان اهل سنت می‌باشیم» (جلایی‌پور، ۱۳۸۵: ۷۲). پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز در چارچوب نحله‌های «مکتب قرآن»، «جماعت دعوت و اصلاح» و «سلفیت» به کار خویش تداوم بخشیده است. با توجه به گسترش پایگاه اجتماعی علمای دینی اهل سنت، می‌توان به رشد تعلقات مذهبی و گسترش هویت مقاومت در میان نسل جوان و عمدتاً تحصیل‌کرده پی بُرد. با عنایت به فراز و فرودهای مناسبات روحانیت اهل سنت با نظام سیاسی در چهار دهه‌ی اخیر و علی‌الخصوص در کُردستان، روابط و مناسبات روحانیان کُرد اهل سنت با حاکمیت وجه پارلمانتیکی پیدا کرده است و با وجود فعالیت مراکز و نهادهایی چون مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور، شورای روحانیت، شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت، اوقاف و امور خیریه، برای رصد و مدیریت فعالیت مساجد و روحانیان اهل سنت، در مناسبت‌های مختلف مذهبی و اعیاد مذهبی، شکاف ایدئولوژی رسمی و کردارهای عمومی و مذهبی شدت یافته و نوعی ناهم‌سویی انتظارات اجتماعی با انتظارات نهادی دیده می‌شود.

با نظر به پیچیده شدن مناسبات نظام سیاسی و روحانیان اهل سنت، پژوهش حاضر در نظر دارد تا ضمن واکاوی تجربه و درک روحانیان اهل سنت سنندج از کنش‌ورزی سیاسی، زمینه‌ها و بسترهای کنش‌ورزی سیاسی و شکل‌هایی که این کنش‌ورزی سیاسی به خود گرفته است را مورد بررسی قرار داده و با عنایت به پایگاه اجتماعی روحانیان، پیامدهای جهت‌گیری‌های سیاسی آن‌ها را بر زندگی فردی و اجتماعی مورد واکاوی قرار دهد.

مرورپیشینه تجربی

الف) پژوهش‌های داخلی

خدیو (۱۳۹۹) در کتاب «گردیت و مذهب» نشان داده است که پیوند تشیع و ناسیونالیسم ایرانی به شکل‌گیری هویت‌های سیاسی، از جمله تأکید‌گردها بر مذهب و ایجاد یک جامعه‌ی متمایز قومی و مذهبی انجامیده است. دو شهر سنندج و مهاباد که در دوران صفویه ساخته شدند به مکان‌های مهمی برای کسب علم دینی تبدیل شدند و روحانیان این دو شهر به چهره‌های سیاسی و اجتماعی‌گرد تبدیل شدند.

شریعتی و ابراهیم‌زاده (۱۳۹۶) در «مطالعه کیفی مکتب قرآن؛ مؤمنانی در نوستالژی «امت»؛ مطالعه موردی کردها در ایران»، نشان داده‌اند که مکتب قرآن با ترویج برخی اندیشه‌های اسلامی سازگار با جهان مدرن، نقد اسلام سنتی، تساهل، پلورالیسم، و تأکید بر ضرورت شورا برای جهت‌دهی به مسائل جمعی و فردی باعث شد که مردم به آن گرایش پیدا کنند.

قادرزاده و محمدی (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «کنشگری سیاسی اسلام‌گرایان در کردستان (مطالعه کیفی جماعت دعوت و اصلاح)» به این نتیجه رسیدند که اعضای این گروه به دلیل مواجهه با ضعف جایگاه دین در کردستان، قدرت کم اهل سنت در ایران، هویت‌خواهی قومی احزاب ناسیونالیست‌گرد، تضاد فرهنگی در کردستان، اوج‌گیری مدرنیته و چارچوب‌های قانون اساسی ایران به کنش‌ورزی سیاسی پرداخته‌اند.

سراج‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) با استفاده از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی به مطالعه کیفی قوم‌گرایی و مذهب در میان کردهای شیعه و سنی پرداخته‌اند. مقایسه‌ی مقولات به دست آمده از دو گروه مصاحبه‌شوندگان سنی و شیعه نشان داد که در دو مورد «تلقی سکولار از دین» و «نارضایتی از دولت» دارای تشابه هستند و در سایر موارد همچون طرز تلقی نسبت به هویت‌گردی، هویت ایرانی و رابطه‌ی مذهب و قومیت دارای تفاوت‌های اساسی می‌باشند.

خسروی و کچوئیان (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «اسلام‌گرایی در کُردستان و چالش‌های ناسیونالیسم کُردی و واگرایی؛ علل و زمینه‌ها (نمونه‌ی موردی: تطورات گفتمان مکتب قرآن)» نشان داده است که گفتمان دینی مکتب قرآن در ارتباط با دو بستر مهم «ناسیونالیسم کُردی» و «واگرایی» بر شرایط کُردستان و کُردها تأثیرات چشم‌گیری داشته است که خود تحت تأثیر تحولات اجتماعی و سیاسی در کُردستان و ایران بوده است.

محمدزاده (۱۳۹۰) در رساله‌ی دکتری خود با عنوان «عوامل مرتبط با انواع قوم‌گرایی در میان کُردهای ایران» با روش پیمایش، به بررسی شدت، ضعف و نوع قوم‌گرایی در میان کُردهای ایران پرداخته است. بر مبنای یافته‌ها، شکاف بزرگی در جامعه‌ی کُرد وجود دارد. این شکاف نشان می‌دهد که قوم‌گرایی در بین کُردهای اهل سنت و یارسان بیشتر از کُردهای اهل تشیع است.

ب) پژوهش‌های خارجی

انتصار (۱۹۹۲)، در کتاب «ناسیونالیسم قومی کُرد» نشان داده است که ناسیونالیسم قومی در کُردستان ایران متأثر از مذهب، زبان و توسعه‌نیافتگی اقتصادی است و پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، مذهب پُرننگ گشته و روابط میان حکومت و کُردها را بغرنج‌تر نموده است.

وان بروین سن (۱۹۹۲) در کتاب «جامعه‌شناسی مردم کُرد؛ آغا، شیخ و دولت»، نشان داده است که رهبران مذهبی، شیوخ و آغاها اولین ملی‌گرایان کُردی بودند که با تکیه بر ارزش‌های مذهبی و ملی، جنبش‌های ملی توده‌ای را به جریان انداختند. اما از طرف دیگر کشمکش‌های همیشگی میان این رهبران به وحدت حقیقی و پایدار مردم لطمه وارد کرده است.

عزت‌بار (۲۰۱۶) در کتاب «آخرین مفتی از کُردستان»، ضمن اشاره به زمینه‌ها و چگونگی شکل‌گیری انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، نشان داده است که علامه احمد مفتی‌زاده، همراه با مردم و به عنوان رهبر قومی و مذهبی بر علیه رژیم پهلوی تا شکل‌گیری حکومت جدید تلاش کرد. مکتب قرآن، به دلایلی چون تعریف متفاوت مفتی‌زاده از دین، عضویت ایشان در حزب دموکرات در جوانی، وجود فضایی مبتنی بر ناسیونالیسم کُردی و تداوم نابرابری‌ها پس از انقلاب، راه حل مشکلات ایران یا کُردستان را در حکومت اسلامی جستجو نمی‌کند.

مروری بر ادبیات تجربی گویای آن است که پیوند مذهب و جایگاه روحانیان کُرد اهل سنت و کنش‌ورزی سیاسی این قشر مغفول مانده است. مطالعات مرتبط نیز بیشتر بر روی گروه‌هایی

چون جماعت دعوت و اصلاح و مکتب قرآن متمرکز بوده و یا به تفاوت‌های مذهبی در میان کردها و دلالت‌های هویتی و قومیتی آن و ساختار اجتماعی و سیاسی کردستان با تأکید بر رهبران قومی و مذهبی معطوف بوده است. پژوهش حاضر با توسل به روش نظریه زمینه‌ای به دنبال واکاوی بسترها، دلالت‌ها، شیوه‌ها و پیامدهای کنش‌ورزی سیاسی روحانیان و ائمه‌ی جماعت اهل سنت در دوره جمهوری اسلامی در بستر قومی و مذهبی سنندج (مرکز استان کردستان) است.

زمینه مفهومی

به باور هیرشمن در کتاب «خروج، اعتراض و وفاداری»، کنش‌های سیاسی در سه سنخ قابل دسته‌بندی است: کنش سیاسی خروج، ناظر به دسته‌ای از فعالیت‌های صریح و معینی است که توسط تشکیلات سازمان‌یافته‌ی مسلح، به منظور ترمز از نظام سیاسی موجود و در قالب رفتارهای رادیکالی چون تجزیه‌طلبی و اعلام خودمختاری روی می‌دهند. کنش خروج، اضافه بر عدم رضایت، به مفهوم یأس و عدم تلاش به منظور اصلاح و حتی برابری با سیاست و متولی مربوط به آن نیز می‌باشد. در این کنش، گروه‌های معترض و مخالف، برای تحول و تعویض حیطه‌ی دربرگیرنده‌ی نظام، که در برابر تغییر و پذیرفتن نظم جدید، تمکین نمی‌نمایند، دست به عمل می‌برند (هیرشمن، ۱۳۹۴: ۳۴ - ۲۹).

کنش سیاسی اعتراض به منزله‌ی بیان مطالبات و منافع بوده، به حرکاتی غالباً اصلاح طلبانه (و نه براندازانه) نظیر تشکیل اپوزیسیون، تأسیس حزب، شورش، انتشار اعلامیه، نصب پوستر، دیوارنویسی، تجمعات سخنرانی و تظاهرات اطلاق می‌گردد که گاهی نیز به دلیل تبعات سنگین کنش خروج، به عنوان جایگزینی کم‌هزینه‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرد و گاهی نیز به مثابه مکمل آن. در این سبک کنش‌ورزی، نظام سیاسی دارای مقبولیت و رسمیت بوده و صرفاً در باب اموری بخصوص نارضایتی وجود دارد. این کنش در پی ایجاد تغییر و تحول در سیاست‌ها بوده، صرفاً نشانگر درجه‌ای از مخالفت است که در صورت اعمال اصلاحات درست و به موقع در سیاست، می‌شود آن را به کنش وفادارانه مبدل نمود؛ در غیر این صورت، این استعداد در کنش اعتراض وجود دارد که به کنش خروج بپیوندد (همان: ۴۰-۴۴).

به سلسله تدابیری از قبیل مشارکت سیاسی فعال، نهادسازی و مقاومت‌های ملی‌گرایانه که از سوی کنشگران و به منظور حفظ موقعیت ناظر به تهدید کنش خروج، اندیشیده می‌شود تا با

کمترین هزینه به بهبود اوضاع نیل یافته شود، کنش سیاسی وفاداری گفته می‌شود. این نوع کنش‌ورزی عادتاً به قصد جلوگیری از خروج و به جریان انداختن اعتراض مورد استفاده قرار می‌گیرد (هیرشمن، ۱۳۹۴: ۱۰).

«لستر میلبرات» نیز قائل به سلسه مراتبی از کنش‌ورزی سیاسی است که از عدم درگیری تا تصدی مقام رسمی دولتی تغییر می‌کند. به نظر او شرکت در انتخابات، پایین‌ترین سطح مشارکت است (میلبرات، ۱۹۶۵: ۲۵). وی باور دارد که مشارکت بسته به چهار عامل مهم تغییر می‌یابد: انگیزه‌های سیاسی، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصی و محیط سیاسی. علاوه بر این، می‌باید مهارت‌ها، منابع و تعهد افراد را هم اضافه کرد. همچنین موقعیت‌های اجتماعی از قبیل میزان تحصیلات، محل سکونت، طبقه و قومیت به شکل چشم‌گیری در مشارکت افراد مؤثر است. محیط یا زمینه‌ی سیاسی نیز از این نظر که فرهنگ سیاسی تا چه اندازه می‌تواند مشوق مشارکت سیاسی باشد یا به عکس، حائز اهمیت بسزایی است. «مهارت‌های فردی» از قبیل مهارت‌های اجتماعی، تحلیلی، سخنوری و توانایی سازمانی و همچنین «منابع در دسترس» مانند وقت و پول نقش مهمی در افزایش میزان مشارکت افراد و کنشگران دارد (Milbrath, 1965:122). بر همین اساس، میلبرات جوامع را به دو قسمت «مرکز» و «پیرامون» تقسیم و بسته به آن که شخص به کدامیک از این دو دسته تعلق داشته باشد، وضعیت اقتصادی-اجتماعی خاص و متفاوت از دیگری را دارا می‌باشد که بر نوع کنش و مشارکت سیاسی وی مؤثر خواهد بود. افراد مرکز، به دلیل در دسترس بودن، اطلاع از اخبار مهم، وابستگی به نهادهای فراوان، سهمیم بودن در تصمیمات بی‌شمار، تحصیلات بالا، دارای درآمد و اعتبار اجتماعی زیاد در مقایسه با مردمان حاشیه‌ای احتمال مشارکت سیاسی بیشتری دارند.

«امانوئل کاستلز» معتقد است که همه‌ی هویت‌ها همواره در بستر روابط قدرت بر ساخته می‌شوند و برای بر ساخته شدن هویت‌ها از اموری مانند تاریخ، جغرافیا، سازوکار سیستم اقتصادی، مذهب، خاطره‌ی جمعی، نهادهای تولید و بازتولید، رؤیاهای شخصی، دستگاه قدرت و الهامات دینی استفاده می‌شود. اما افراد، گروه‌ها و جوامع این مواد خام را پرورش می‌دهند و مفهوم آن‌ها را بر طبق مقتضیات اجتماعی و برنامه‌های فرهنگی‌ای که نشأت گرفته از ساخت اجتماعی و قالب زمانی- مکانی آن‌ها است، بازتنظیم می‌کنند. به زعم کاستلز، «هویت مقاومت»، ناظر بر رفتار کنشگرانی است که در شرایطی قرار دارند که از ناحیه‌ی طبقه‌ی مسلط فاقد ارزش شناخته شده و به دیده‌ی تحقیر نگریسته می‌شود. این هویت در تقابل با گفتمان مسلط توسط

افراد و اجتماعی بر ساخته می‌شود که در مناسبات قدرت و نهادهای سلطه جایگاه و مشارکتی ندارند. هویت مقاومت، چنانچه بر مبنای دین شکل بگیرد، به صورت بنیادگرایی و اگر بر مبنای قومیت باشد، به شکل ملی‌گرایی بروز می‌یابد (کاستلز، ۱۳۸۰: ۸-۲۶؛ ۴۵-۵۰).

«اکسل هونت» در بحث از هویت و شکل‌های شناسایی آن، سه نوع شناسایی را معرفی نموده است: «اعتماد به نفس» که در بستر خانواده پایه‌ریزی شده، به توجه آن‌ها به شخص مربوط می‌شود و افراد یاد می‌گیرند که بی هیچ ترسی از تنها شدن، «خودشان» را ابراز نمایند. «کرامت شخصی» که در حوزه‌ی سیاسی، به عنوان یکی از اعضاء جامعه و شهروندی مستقل، با حقوق قانونی، مدنی و سیاسی برابر، که امکان مشارکت در زیست جهان خود را دارد متجلی می‌گردد. «عزت نفس» که بر همبستگی اجتماعی و پذیرش یا به رسمیت شناختن ارزشمندی وی در جامعه دلالت دارد.

بر اساس این دیدگاه، انکار حقوق برابر، موجب از میان رفتن خودمختاری اخلاقی افراد می‌شود و آن‌ها را به سطح شهروندانی درجه‌ی دوم و فاقد مسئولیت فرو خواهد کاست و زمینه‌ی شکل‌گیری منازعات اجتماعی را فراهم می‌آورد. هونت تلاش اشخاص و گروه‌ها را برای احقاق شناسایی خود، فرایندی اجتماعی با صبغه‌ی مقاومتی می‌داند که غالباً در نظام‌های سیاسی غیر دموکراتیک و در برابر رفتار ناعادلانه، تحقیر اجتماعی و تکذیب یا انکار قدرتمندان در به رسمیت شناختن هویت آن‌ها، شکل می‌گیرد. مطابق این دیدگاه، نبردهای اجتماعی مذکور، بر حسب درجه‌ی ستم و به رسمیت ناشناختگی در چهار دسته قرار می‌گیرند: تحقیرشدگان (افراد که توسط نظام حاکم، حقیر و بی‌اهمیت به حساب آمده‌اند)؛ اختلال در به رسمیت شناخته‌شدن (آن‌هایی که به شکل همه‌جانبه و تمام و کمال به رسمیت شناخته نشده‌اند)؛ نادیده‌انگاشته‌گان (آن‌هایی که وجودشان توسط نظام حاکم انکار شده است)؛ و نابرابران در به رسمیت شناختگی (مورد تبعیض واقع شدگان) (Honeth, 1996: 97-104). هریک از کنشگران فوق، برای بازنمایی هویت خود، افزون بر تلاش برای کسب شأن و منزلت اجتماعی، به دنبال احقاق عدالت و رفع تبعیض در توزیع حقوق و امتیازات مختلف و در کل وادار نمودن گفتمان قدرت به تجدیدنظر در رفتار و اصلاح مواضع می‌باشند (Honeth, 1992: 34-38).

جمع بندی چارچوب مفهومی

در گُردستان به دلیل سیطره‌ی خرده نظام سیاسی بر حیات اجتماعی و ساخت محدود فرصت‌های سیاسی، نهادهای مدنی و اجتماعات بینابینی برای ترجمان خواسته‌ها و مطالبات در

وضعیت جنینی به سر می‌برند و فعالیت نهادهای مدنی موجود نیز با دشواری‌هایی همراه است. از اینرو، مساجد در کنار کارکردهای دینی، عهده‌دار مسئولیت‌های اجتماعی، مدنی و سیاسی شده و به کانون مقاومت بدل شده‌اند. با لحاظ مختصات میدان و زمینه مورد مطالعه، جهت ارتقای حساسیت نظری، «سلسله مراتب کنش‌ورزی سیاسی» لستر میلبرات، «سنخ شناسی کنش‌ورزی سیاسی» هیرشمن و «سنخ شناسی هویت اجتماعی» کاستلز، راهنمای پژوهش بوده است. با نظر به سازه‌های مفهومی می‌توان گفت که هویت اجتماعی روحانیان اهل سنت، نوع جهت‌گیری و کنش‌ورزی سیاسی آنان را شکل می‌دهد در عین حال، هویت اجتماعی، از زمینه و بستر سیاسی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. با توجه به ساخت محدود فرصت‌های سیاسی در میدان مورد مطالعه، نوعی منازعه برای شناسایی و تصدیق وجود دارد. برای فهم چگونگی تصدیق و شناسایی در گُردستان و چگونگی منازعه در نزد روحانیان به مثابه یکی از مراجع اقتدار اجتماعی، نظریه «منازعه برای شناسایی» اکسل هونت راهنمای پژوهش حاضر بوده است.

روش شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر برای پی‌بردن به زوایای پنهان افکار و عقاید روحانیان و تجربه‌ی زیسته‌ی آن‌ها از کنش‌ورزی‌های سیاسی، از روش نظریه زمینه‌ای بهره گرفته شده است. این روش «سلسله‌ای از رویه‌های سیستماتیک را برای ایجاد نظریه‌ای مبتنی بر استقراء درباره‌ی پدیده‌ای خاص به کار می‌گیرد (استراوس و کریبن، ۱۳۹۷: ۳۴). در این رویکرد، داده‌های میدانی ابتدا نمونه‌گیری شده، سپس کدگذاری و در فرجام به صورت نظریه‌ای ساختگرا تدوین می‌شود. هدف پژوهش‌های داده‌بنیاد «کشف»، «توصیف» و «تبیین» روابط بین متغیرها است (همان: ۳۷). در پژوهش حاضر، از مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته برای گردآوری داده‌ها بهره گرفته شده است.

روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر ترکیبی از نمونه‌گیری نظری و هدفمند با بهره‌گیری از شیوه‌های تنوع حداکثری و گلوله برفی است. در نمونه‌گیری نظری نمونه‌گیری با رسیدن به اشباع نظری به پایان می‌رسد (همان: ۲۱۹). پس از انجام مصاحبه با ۲۷ نفر، که حداقل ۵ سال از کسب اجازه‌ی آن‌ها به عنوان روحانی گذشته بود، اشباع نظری حاصل گشت. میدان مورد مطالعه این پژوهش معطوف به روحانیان گُرد اهل سنت شهرستان سندج است. به سیاق روش نظریه زمینه‌ای، پس از پیاده‌کردن مصاحبه‌ها، فرآیند کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شده است. برای افزایش اعتبار پژوهش، از تکنیک کنترل از سوی اعضا استفاده شده است. در راستای مفهوم

تأییدپذیری، تمامی داده‌های خام، اسناد کتبی و شفاهی (ضبط شده‌ها) بار دیگر توسط خود محقق (تکنیک خود بازبینی محقق) و استاد راهنمای تحقیق مورد بازبینی قرار گرفت.

مشخصات مصاحبه‌شوندگان

میدان مورد مطالعه این پژوهش معطوف به روحانیان گرد اهل سنت شهرستان سنندج است. مصاحبه‌شوندگان به لحاظ سنی در رده‌ی سنی ۳۲ تا ۶۶ سال را شامل می‌شود. به لحاظ جنسیتی، مرد و اکثریت (به استثنای یک مورد) متأهل بوده‌اند. نمونه‌ها از لحاظ تحصیل و اشتغال در سطوح مختلفی قرار داشتند و در زمره‌ی مطلعان کلیدی بودند. در جدول (۱) با استفاده از اسامی مستعار به مشخصات مصاحبه‌شوندگان پرداخته شده است.

جدول ۱: مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

کد	نام	سن	وضعیت تأهل	نوع فعالیت	سنوات اجازه (به سال)	وضعیت اشتغال
۱	رحمان	۴۹	متأهل	امام جماعت	۱۸	آزاد
۲	رحیم	۶۵	متأهل		۳۹	بیکار
۳	رئوف	۶۶	متأهل	ممنوع‌المنبر	۴۵	آزاد
۴	حسن	۵۰	متأهل	امام جماعت	۲۳	بیکار
۵	جمال	۴۰	متأهل		۲۰	بیکار
۶	خالد	۴۴	متأهل	ممنوع‌المنبر	۲۰	آزاد
۷	خلیل	۶۲	متأهل	ممنوع‌المنبر	۴۲	بیکار
۸	عبدالرحمان	۴۶	همسر فوت شده		۲۷	کارمند
۹	توفیق	۳۲	متأهل	امام جماعت	۵	آزاد
۱۰	صدیق	۳۴			بیکار	
۱۱	عدنان	۴۴			آزاد	
۱۲	سعید	۵۱			آزاد	
۱۳	سعدی	۵۰			دولتی	
۱۴	مصطفی	۳۵			بیکار	
۱۵	احسن	۴۲			بیکار	
۱۶	حمید	۴۲			دولتی	
۱۷	صادق	۴۶			آزاد	
۱۸	صلاح	۵۰			ممنوع‌المنبر	۲۸

کد	نام	سن	وضعیت تأهل	نوع فعالیت	سنوات اجازه (به سال)	وضعیت اشتغال
۱۹	راشد	۳۲	متاهل	امام جماعت	۹	آزاد
۲۰	فاروق	۴۸			آزاد	
۲۱	بشیر	۵۶		ممنوع‌المنبر	۳۰	آزاد
۲۲	مسعود	۳۲		امام جماعت	۸	آزاد
۲۳	ساجد	۴۵			آزاد	
۲۴	رشید	۵۰			آزاد	
۲۵	هیوا	۴۵			بیکار	
۲۶	امید	۳۸			بیکار	
۲۷	بصیر	۴۴			آزاد	

تحلیل و تفسیر یافته‌های میدانی

۱. زمینه‌ها و بسترهای کنش‌ورزی سیاسی

در این بخش به بسترهای کنش‌ورزی سیاسی روحانیان پرداخته می‌شود. بر این اساس مصاحبه‌شوندگان به سؤالاتی چون «به عنوان یک روحانی چقدر در بیان مسائل روز آزادی عمل دارید؟ روحانیان اهل سنت چه مطالبات و درخواست‌هایی از حاکمیت دارند؟ جمهوری اسلامی تا چه اندازه به نیازها و مطالبات روحانیان اهل سنت توجه کرده است؟ و...» پاسخ داده‌اند. پس از کدگذاری داده‌ها، ۱۰۸ مفهوم استخراج و مفاهیم در قالب پنج مقوله‌ی محوری دسته بندی شده است.

جدول ۲: کدگذاری باز و محوری زمینه‌ها و بسترهای کنش‌ورزی سیاسی

مفاهیم	خرده مقوله	مقوله محوری
عملکرد نامناسب حکومت در تمام حوزه‌ها؛ آسیب‌زدن به دین با انجام فعالیت‌هایی به نام دین؛ مشکلات اقتصادی؛ مشکلات سیاسی؛ تبعیض؛ نبود آزادی؛ تنزل سطح علم و فرهنگ مردم؛ بی‌اعتمادی به حاکمیت	بی‌اعتمادی؛ زوال کارآمدی؛ نبود آزادی	بی‌اعتمادی سیاسی
مطالبه‌ی حقوق شهروندی؛ فقر و تنگدستی؛ خواهان احترام به عقاید اهل سنت	حقوق شهروندی؛ تصدیق عقاید اهل سنت	محرومیت از شهروندی
اسکان ماموستاها در مساجد؛ نداشتن درآمد ثابت؛ نداشتن وسیله نقلیه؛ وابستگی اقتصادی به مردم	مشکلات معیشتی؛ اتکای اقتصادی به مردم	تنگنای معیشتی
قابل به ارتباط مردم و دولت در شرایط معمولی؛ رفتار	اختلال رابطه‌ای با نهادهای	اختلال روابط نهادی

مفاهیم	خرده مقوله	مقوله محوری
نامطلوب حکومت با کردهای اهل سنت و ماموستاها؛ عدم ارتباط با حکومت؛ ستم	رسمی مذهبی؛ فشار نهادهای رسمی مذهبی؛ تبعیض	
انتصاب ماموستاهای دست‌نشانده و غیرمردمی؛ هژمونی فرهنگی و مذهبی؛ ترس از عقاید اهل سنت؛ نبود آزادی عقیده و بیان	انتصاب سیاسی روحانیان مساجد؛ نبود آزادی عقیده و آزادی بیان؛ هژمونی فرهنگی و مذهبی	زوال مدارای مذهبی و هویتی

الف) بی‌اعتمادی سیاسی

مصاحبه‌شوندگان با انتظاراتی که از حکومت دینی داشته‌اند نسبت به عملکرد کارگزاران نهادی بویژه در مناطق اهل سنت با دیدهی تردید‌نگریسته و نسبت به نظام سیاسی بدبین و بی‌اعتماد بوده‌اند.

«چون باعث ایجاد دلزدگی و بدبینی مردم نسبت به دین بود، نظر مثبتی نسبت به آن ندارم و فکر می‌کنم تجربه تلخی بود» (کد ۲۰).
«در مناطق کردنشین آنقدر بد عمل کرده‌اند که مردم از حضورشان ناخرسندند. نگاهی به وضعیت جاده‌ها، اشتغال، کارخانه‌ها، کولبرها، و... این موضوع را بهتر روشن خواهد کرد» (کد ۶).

ب) محرومیت از شهروندی و حقوق اجتماعی

اغلب مصاحبه‌شوندگان، خود را محروم و محدود تلقی کرده و از تبعیض، ناعدالتی و در حاشیه قرار گرفتن خود و هم‌صنفان ناراضی بودند. «نادیده انگاری مطالبات»، «عدم تصدیق عقاید اهل سنت»، «بی‌توجهی به نیازهای حداقلی ماموستایان» مضامینی هستند که بر محرومیت از شهروندی دلالت دارد.

«ما به عنوان ماموستاهای کرد اهل سنت می‌خواهیم که حکومت به نیازهای مادیمان به عنوان شهروندان این سرزمین توجه کرده و به عقایدمان احترام بگذارد» (کد ۱۳).
«قاعدتاً حکومت باید به ما خدمات مختلفی مثل دادن حقوق ماهانه، آزادی بیان، و بیمه تأمین اجتماعی رایگان ارائه دهد اما این کار را نمی‌کند؛ ما نیز دیگر توقعی از آنها نداریم؛ فقط می‌خواهیم دست از سر ما بردارند و کم‌تر ما را زیر ذربین قرار بدهند» (کد ۸).

ج) تنگنای معیشتی

مصاحبه‌شوندگان از فقر و مشکلات معیشتی خود گله‌مند بوده و نداشتن منزل مسکونی، بیکاری، نداشتن درآمد ثابت و مکفی، فقدان حمایت‌های نهادی و اتکای اقتصادی به مردم را به عنوان عوامل مخرب خود تلقی می‌کردند.

«من در منزل بسیار بسیار کوچکی که مسجد در اختیارم قرار داده زندگی می‌کنم، همسر و دو فرزند خردسال دارم، حقوق و وسیله نقلیه هم ندارم و اگر مردم به ما کمک نکنند نمی‌توانم زندگی‌م را اداره بکنیم» (کد ۱۰).

«متأسفانه وضعیت معیشتی ماموستاها بسیار نامناسب و نامطلوب است؛ ماموستاها از دولت حقوقی دریافت نمی‌کنند به همین دلیل زندگی و معیشت آن‌ها با خطر مواجه شده است» (کد ۲).

د) اختلال روابط نهادی

اشاره‌ی مصاحبه‌شوندگان به مضامینی چون «تعاون جبری»، «اختلافات مذهبی» و «فشار نهادهای رسمی مذهبی» نشان از فقدان رابطه‌ی دو سویه با نهادهای رسمی دارد. آن‌ها خواهان ارتباطی عادلانه و مبتنی بر احترام هستند.

«ارتباط اکثر ماموستاها با مرکز بزرگ، سرد و از سر اجبار است. بنابراین فقط زمان‌هایی که لازم باشد و کاری پیش بیاید به آنجا می‌رویم؛ علاوه بر اختلافات مذهبی، رابطه‌ای ناعادلانه میان ما وجود دارد» (کد ۱۰).

«من به شرطی قایل به ارتباط با مرکز بزرگ هستم که برایمان تعیین تکلیف نکرده و ما را تحت فشار قرار ندهد» (کد ۲۳).

ه) زوال مدارای مذهبی و هویتی

اذعان روحانیان به محدودیت‌ها و فشارهایی چون «انتصاب امامان جمعه مساجد»، «تعیین خطوط قرمز»، «نبود آزادی بیان، عقیده و تبلیغ» و «محدودیت نشر کتاب اهل سنت» بر زوال مدارا با اقلیت‌های قومی و مذهبی دلالت دارد.

«وضعیت انتشار کتاب‌های مذهبی مناسب نیست. بر روی کتب مذهبی عنوان "ویژه اهل سنت" نوشته می‌شود؛ این کار باعث می‌شود که دیگر ادیان و مذاهب از خرید و خواندن این کتاب‌ها پرهیز کنند» (کد ۱).

«بر ما منت می‌گذارند که شما را بیمه کرده‌ام. البته بخشی از هزینه بیمه را خودمان پرداخت می‌کنیم. اگر احساس کنند که سخنی خلاف میل بر زبان آورده‌ایم، تهدید قطع بیمه را همچون یک اهرم فشار مطرح می‌کنند. حقوق‌مان ۱۵۰ هزار تومان است که با توجه به وضع تورم جامعه کم‌ترین تأثیری بر زندگی ما ندارد» (کد ۱).

۲. شکل‌های کنش‌ورزی سیاسی

در این بخش به شکل‌های کنش‌ورزی سیاسی روحانیان مورد بررسی می‌پردازیم. از داده‌ها، ۱۲۷ مفهوم استخراج و در قالب هفت محور دسته‌بندی گردید.

جدول ۳: کدگذاری باز و محوری شکل‌های کنش‌ورزی سیاسی

مفهوم محوری	خرده مقوله	مفاهیم
بی‌قدرتی سیاسی	بی‌فایده بودن مشارکت؛ پرمخاطره بودن فعالیت سیاسی	جایگاه نازل سیاسی و اقتصادی اهل سنت؛ ناتوانی در ایجاد تغییر؛ بازنمایی ناچیز مطالبات قومی و مذهبی در سیاست؛ همراهی سیاسی و ترس زوال جایگاه اجتماعی؛ مغایرت سیاست‌ها با مطالبات قومی و مذهبی؛ عدم امکان طرح مطالبات؛ محدودیت امکانات سیاسی
انزوای سیاسی و روی آوری به کنش‌های فرهنگی	اولویت تزکیه نفس و کنش‌ورزی فرهنگی و اجتماعی بر کنش‌ورزی سیاسی؛ فاصله‌گیری از حاکمیت (بیگانگی سیاسی)؛ بدبینی سیاسی، کنش فرهنگی؛ مجازی شدن فعالیت‌های سیاسی؛ پرمخاطره بودن فعالیت سیاسی؛ آموزش، روشنگری و دعوت و هدایت مردم	کنش‌ورزی فرهنگی و اجتماعی؛ عدم همراهی؛ اتحاد درون گروهی؛ مشارکت حداقلی؛ فاصله‌گیری از حاکمیت؛ نشر علم دینی؛ آگاه‌سازی، فشار ساختار سیاسی بر فعالین سیاسی؛ پرمخاطره بودن فعالیت سیاسی؛ پرهیز از فعالیت‌های خشن و مسلحانه؛ لزوم فعالیت دینی، فرهنگی و اجتماعی؛ استفاده از وسایل ارتباط جمعی مدرن؛ کارکرد آموزشی شبکه‌های اجتماعی
تشکل‌یابی به مثابه ضرورت	پیگیری مطالبات به صورت حزبی و مدنی	حزب به مثابه یک توصیه قرآنی؛ حزب برتر از فرد؛ اتحاد درون گروهی؛ برتری حزب دینی نسبت به احزاب دیگر؛ پیگیری مطالبات به صورت حزبی و مدنی؛ ناکامی و ناامیدی از فرجام
ناامیدی از مجاری و کارگزاران نهادی	ناکارآمدی مجاری قانونی؛ بن بست سیاسی و مدنی؛ ارتباط با مسئولان و کارگزاران سیاسی	بی‌عدالتی؛ تبعیض؛ ظلم؛ ناامیدی از تحقق مطالبات؛ اجرائی نشدن قوانین؛ ناتوانی و بی‌کفایتی مسئولین؛ بن‌بست سیاسی و مدنی؛

مفهوم	خرده مقوله	مقوله محوری
اشکال در قانون اساسی		
عدم مشارکت به دلیل یأس از نتیجه؛ عدم مشارکت به دلیل ناامیدی از ایجاد تغییر	ناامیدی از تغییر	پرهیز از صندوق رأی
علاقه به پیگیری اخبار سیاسی؛ پیگیری اخبار از طریق شبکه‌های خارجی و فضای مجازی	علاقه به پیگیری اخبار سیاسی؛ ترجیح شبکه‌های خارجی بر شبکه‌های داخلی	دغدغه سیاسی

الف) بی‌قدرتی سیاسی

روحانیان به دلیل «پرمخاطره بودن فعالیت سیاسی»، «نگرانی زوال جایگاه اجتماعی در صورت همراهی سیاسی» و «بازنمایی ناچیز مطالبات قومی و مذهبی در سیاست»، نسبت به فعالیت سیاسی بدبین و آن‌را فاقد اثربخشی می‌دانند و احساس بی‌قدرتی می‌کنند و تمایل چندانی به «مشارکت مستقیم در فعالیت‌های سیاسی» ندارند.

«ما چون در اقلیت هستیم و هیچ‌گونه پشتوانه‌ای نداریم نمی‌توانیم موضعی داشته باشیم» (کد ۱۴).

«به این موضوع که نامزد شورای شهر یا نماینده مجلس بشوم فکر نکرده‌ام؛ به نظرم تن دادن به این کار فرد را خواه ناخواه به انجام برخی اعمال وادار می‌کند که ممکن است مورد تأیید گردها و اهل سنت نباشد» (کد ۱).

ب) انزوای سیاسی و روی آوری به کنش‌های فرهنگی

مصاحبه‌شوندگان نسبت به فعالیت سیاسی، مردد و بدبین بودند. تأکید بر مضامینی چون «عدم مشارکت در انتخابات» و «اولویت تزکیه و کنش‌ورزی فرهنگی و اجتماعی» نشان از کناره‌گیری سیاسی دارد. آن‌ها با توجه به مخاطرات سیاسی، از مشارکت سیاسی فاصله گرفته و به کنش فرهنگی روی آورده‌اند.

«به عنوان گُرد اهل سنت، توان و قدرت کافی برای موضع‌گیری سیاسی نداریم. تا جایی که ممکن است باید از آن فاصله بگیریم و به آموزش و رشد فرهنگی و دینی خودمان بپردازیم» (کد ۹).

«بیشتر از چهل سال در انتخابات شرکت کردیم اما حتی یک وزیر گُرد اهل سنت نداریم. این انتخابات مختص به گروه خاصی است که درک و شناختی از ما و سایر اقلیت‌های کشور ندارند. به همین دلیل شرکت نکردن در انتخابات بهتر است. با عدم مشارکت برخی خواسته‌هایمان را به حکومت یادآوری می‌کنیم» (کد ۲۴).

ج) تشکیل‌یابی به مثابه ضرورت

اکثر مصاحبه‌شوندگان بر ضرورت شکل‌گیری «جبهه متحد گرد/ اهل سنت» برای پیگیری مطالبات قومی و مذهبی تأکید داشتند. به زعم آن‌ها در غیاب چنین احزابی باید به نحله‌هایی چون جماعت دعوت و اصلاح و... توجه داشت، چنین جریان‌هایی با مشی مسالمت‌آمیز می‌توانند حاکمیت را متوجه کاستی‌ها و مشکلات بکنند.

«تشکیل مجامعی چون مجمع فقهی اهل سنت می‌تواند به پیگیری مطالبات اهل سنت کمک کند؛ هرچند اجازه تشکیل چنین مجامعی را به ما نداده و نمی‌دهد. حتی یک بار هم اقدام به تشکیل چنین مجمعی (در کردستان، کرمانشاه، ایلام و آذربایجان غربی) کردیم اما مانع شدند» (کد ۶).

«من با تشکیل حزب سیاسی اهل سنت بسیار موافقم. به نظرم این کار علاوه بر اینکه حق طبیعی ما و مورد تأیید خداوند است، می‌تواند همچون یک تلنگر به جمهوری اسلامی عمل کرده و ما را در رسیدن به برخی از مطالباتمان کمک کند» (کد ۲).

د) ناامیدی از مجاری و کارگزاران نهادی

روحانیان بهره‌مندی از حقوق شهروندی و صنفی را حق طبیعی خود دانسته و برای اثبات آن به قانون اساسی متوسل می‌شدند. با این اوصاف، مصاحبه‌شوندگان بر محدودیت مجاری نهادی و ناکارآمدی ارتباط با کارگزاران سیاسی تأکید می‌کردند.

«قبلاً فکر می‌کردیم که از طریق نماینده‌ها و امامان جمعه می‌توانیم خواسته‌هایمان را به شیوه‌ای قانونی بر اساس اصل ۱۲ و ۱۵ قانون اساسی پیگیری کنیم، اما حالا می‌دانیم هیچ یک از این راه‌ها ما را به خواسته‌هایمان نزدیک نمی‌کند و گوش شنوایی برای شنیدن مطالبات ما وجود ندارد» (کد ۲).

«قاعدتاً می‌بایست از طریق نمایندگان تحقق مطالبات ممکن می‌بود اما نمایندگان ما توان صحبت و درخواست کردن از حکومت را ندارند. ما از تحقق مطالبات خود ناامید شده‌ایم» (کد ۸).

ه) پرهیز از صندوق رأی

مشارکت در انتخابات یکی از مجاری مسالمت‌آمیز تغییر سیاسی به‌شمار می‌آید. اغلب روحانیان به دلایلی چون تفاوت مذهبی، وضعیت نامناسب اقتصادی، ناامیدی از انتخابات و نتایج حاصل از آن، از حضور در انتخابات پرهیز می‌کنند.

«برخی از ماموستاها به دلیل امید به تغییر و حفظ موقعیت شغلی، اقتصادی و... در انتخابات شرکت داشته‌اند، اما برخی دیگر به دلیل سرخوردگی تمایلی به مشارکت ندارند» (کد ۸).

«شخصاً در انتخابات شرکت نمی‌کنم، تصور می‌کنم ارزشی برای ملیت، فرهنگ و مذهب من قایل نیستند. اما هرگز به مردم پیشنهاد نمی‌کنم که چون من رفتار نکنند؛ آن‌ها باید مستقل تصمیم بگیرند» (کد ۲۰).

و) دغدغه سیاسی

اکثر مصاحبه‌شوندگان نسبت به پیگیری اخبار سیاسی، برنامه‌های سیاسی، بحث‌های سیاسی و مطالعه‌ی موضوعات سیاسی حساس و آگاهی از وضع حال و آینده کشور را ضروری می‌دانستند. به دلیل بدبینی از رسانه‌ها و اخبار داخلی، موضوعات سیاسی را از فضای مجازی و کانال‌های ماهواره‌ای پیگیری می‌نمودند.

«من به پیگیری اخبار بسیار علاقه دارم و معمولاً از طریق تلفن همراه و فضای مجازی بسیاری از شبکه‌های خارجی را پیگیری می‌کنم برخی از اخبار داخلی را نیز مشاهده می‌کنم» (کد ۱).

«علاقه فراوانی به دیدن برنامه‌های سیاسی دارم، اما، متأسفانه فرصت کافی برای پیگیری آن‌ها در اختیار ندارم. به مطالعه در این زمینه علاقه دارم و گاهی که فرصتی پیدا می‌کنم حتماً این کار را انجام می‌دهم» (کد ۲).

۳. درک و دریافت از نظام سیاسی و عملکرد نهادهای حاکمیتی

در این قسمت به درک و دریافت روحانیان از نظام سیاسی ایران و عملکرد نهادهای حاکمیتی پرداخته‌ایم. بر همین اساس از مصاحبه‌ها ۱۱۹ مفهوم استخراج و چهار مقوله محوری بدست آمد.

جدول ۴: کدگذاری باز و محوری درک از نظام سیاسی و عملکرد نهادهای حاکمیتی

مقوله محوری	خرده مقوله	مفاهیم
زوال کارآمدی	تبعیض قومی و مذهبی؛ محرومیت؛ توسعه نیافتگی کُردستان	بدبختی و سیه‌روزی مناطق کردنشین؛ توسعه نیافتگی مناطق کردنشین و اهل سنت؛ نبود زیرساخت‌های اقتصادی؛ بیکاری؛ عدم حمایت اقتصادی؛ جاده کُردستان به عنوان قتلگاه؛ تبعیض در مناطق کردنشین و اهل سنت؛ دیدگاه امنیتی به کُردستان؛ مدیریت غلط
اختلال کارکردی و ضرورت اصلاحات	ضرورت انجام اصلاحات؛ ترجیح اصلاحات بر براندازی	پرهزینه بودن براندازی حکومت؛ ترجیح اصلاحات بر براندازی؛ کم هزینه بودن اصلاحات؛ اصلاحات عمیق؛ ضرورت رفع تبعیض و ستم قومی و مذهبی؛ ضرورت تغییر

مفاهیم	خرده مقوله	مقوله محوری
روابط بین‌الملل؛ ضرورت حل مشکلات اقتصادی و تورم؛ ضرورت اصلاح نظام آموزشی/ رسانه‌ها		
غیبت برنامه‌های اهل سنت؛ ناهماهنگی و ناسازگاری برنامه‌های شبکه استانی با عقاید مردم؛ حضور ماموستای غیرمردمی در شبکه استانی؛ نارضایتی از صدا و سیما	غیبت برنامه‌های مذهبی اهل سنت در شبکه استانی	صدا و سیما و مساله بازنمایی قومی- مذهبی
عدم تفاوت اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان؛ موضع مشترک دولت‌های اصول‌گرا و اصلاح طلب نسبت به اهل سنت؛ ناامیدی از جناح‌های سیاسی اصلاح طلب و اصول‌گرا؛ منفعت طلبی احزاب دولتی	ناکارآمدی و بی توجهی احزاب سیاسی به اهل سنت	احزاب سیاسی و نادیده انگاری اقلیت‌های قومی و مذهبی

الف) زوال کارآمدی

از منظر مصاحبه‌شوندگان، زوال کارآمدی نظام تدبیر، رنج مردم را به همراه داشته است و برای حل و اصلاح مشکلات، «بکارگیری مدیران متخصص و متعهد»، «ارتباط با سایر کشورهای جهان»، «جایگزینی حکومت دینی به جای حکومت مذهبی»، «بها دادن به اصلاح‌طلبی و «رفع تبعیض‌های قومی» ضرورت دارد.

«حضور مدیران بی‌کفایت و انحصاری شدن قدرت و ناعدالتی باعث شده کشور از هر نظر تحت فشار قرار گیرد. این فشار مستقیماً زندگی و حیات مردم را تحت تأثیر قرار داده است» (کد ۱۹).

«حکومت با کشورهای مهم دنیا قطع ارتباط کرده است. این مسئله شرایط اقتصادی و سیاسی کشور را با مشکل روبرو کرده است» (کد ۲۵).

ب) اختلالات کارکردی و ضرورت اصلاحات

به عقیده مصاحبه‌شوندگان، مشکلات و مسائل امروز جامعه‌ی ایران بسیار ریشه‌ای و حل آن دشوار است. آن‌ها براندازی حکومت را پرهزینه می‌دانند و بر لزوم اصلاحات بنیادین در عرصه‌های مختلف تأکید می‌کنند.

«براندازی حکومت بسیار پرهزینه است، به همین دلیل باید سعی بر اصلاح مشکلات باشد؛ هرچند اصلاحات باید عمیق و ریشه‌ای و در حوزه‌های آزادی عقیده و بیان، ارتباطات بین-المللی، مشکلات اقتصادی و تورم، نظام آموزشی و رسانه‌ها باشد» (کد ۴).

«هنوز هم می‌توان به اصلاحات امید بست. حکومت باید روابط بین‌الملل و شیوه برخورد با اقلیت‌های قومی و مذهبی را تغییر دهد تا موفق شود» (کد ۶).

د) صدا و سیما و مساله بازنمایی قومی - مذهبی

مصاحبه‌شوندگان نسبت به غیبت برنامه‌های مذهبی اهل سنت در شبکه‌ی استانی و اهانت به اقلیت‌های قومی و مذهبی در برخی برنامه‌های صداوسیما معترض بودند.

«بیشتر مردم استان کُردستان اهل سنت هستند، اما حتی یک برنامه در راستای عقاید اهل سنت از این شبکه پخش نمی‌شود؛ اخیراً هم با پخش همزمان اذان شافعی و جعفری رسماً به شعور و عقاید مردم توهین کرده‌اند» (کد ۱۸).

«تمام ارگان‌های دولتی نقص و ایراد دارند اما هیچ یک از آن‌ها به اندازه صدا و سیما عملکرد منفی و آسیب‌زا نداشته است. بدتر از همه از طریق این رسانه به عقاید اهل سنت و کُردها اهانت می‌شود» (کد ۲۶).

ه) احزاب سیاسی و نادیده‌انگاری اقلیت‌های قومی و مذهبی

مصاحبه‌شوندگان به اصلی‌ترین جریان‌های سیاسی (اصول‌گرا و اصلاح‌طلب) بی‌اعتماد و از آن‌ها قطع امید کرده‌اند و معتقد به تفاوت شکلی-نه ماهوی - این احزاب در مواجهه با اهل سنت هستند.

«در تمام دولت‌ها (چه اصول‌گرا چه اصلاح‌طلب) ماموستاهای کُرد اهل سنت در معرض تهدید و فشار بوده‌اند و فقط شکل فشارها تغییر کرده است. به عنوان مثال، بنده در دوره آقای خاتمی ممنوع‌المنبر شدم» (کد ۲۵).

«احزاب اصول‌گرا و اصلاح‌طلب تا کنون به هیچ یک از خواسته‌های ملت ما اعتنا نکرده‌اند و از آن‌ها همچون ابزاری برای رسیدن به خواسته‌هایشان استفاده کرده و می‌کنند» (کد ۲۱).

۴. پیامدهای کنش‌ورزی سیاسی در زندگی فردی و اجتماعی

این قسمت به پیامدهای کنش سیاسی در زندگی فردی و اجتماعی روحانیان می‌پردازد. پس از کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه، ۴۲ مفهوم استخراج و پس از ترکیب، سه مقوله محوری حاصل گشت.

جدول ۵: کدگذاری باز و محوری پیامدهای کنش‌ورزی سیاسی روحانیان

مقوله محوری	خرده مقوله	مفاهیم
محرومیت اجتماعی	تهدید؛ محرومیت اجتماعی؛ ممنوعیت از تحصیل، اشتغال رسمی و منبر	رویکرد تحکمی؛ فقدان آزادی پس از بیان؛ تحمیل شکل‌های مختلف تنبیه و توبیخ در صورت اظهار نظر دینی، اجتماعی، سیاسی، ممنوعیت از منبر
وابستگی به مردم و انتظارات غیر فقهی	فقر و وابستگی به مردم؛ انتظارات غیرفقهی مردم	وابستگی اقتصادی ماموستاها به مردم؛ وابستگی و بی‌توجهی به فقه؛ انتظارات غیرفقهی و غلط مردم از ماموستاها؛ مردم در موضع مخالف حکومت؛ خشم حکومت از هماهنگی مردم و ماموستاها؛ مقابله مردم با حاکمیت به میانجی ماموستاها
ارتباط نهادی و زوال اعتماد عمومی	جبر اقتصادی و همکاری نهادی؛ بی‌اعتمادی مردم در سایه ارتباط با نهادهای رسمی؛ بی‌اعتمادی در بین حکومت، مردم و ماموستاها	ماموستاها سرگردان میان مردم و حاکمیت؛ وابستگی اقتصادی ماموستاها به حکومت؛ خائن بودن ماموستاها در نظر مردم؛ احساس عذاب وجدان؛ اهانت و بی‌توجهی به عقاید اهل سنت؛ ایجاد فضای بی‌اعتمادی؛ بدبینی مردم نسبت به حاکمیت؛ یکی انگاشتن علمای حاکم؛ دین و ماموستاها؛ نبود آزادی بیان؛ فقر؛ مقابله حکومت با مردم اهل سنت توسط ماموستاها

الف) محرومیت اجتماعی

به باور مصاحبه‌شوندگان، به دلیل موانع و محدودیت‌هایی بر سر راه آزادی بیان و عقیده، جهت‌گیری‌های روحانیان در موضوعات مختلف، سیاسی تلقی می‌شود و بیان مباحث دینی، فرهنگی و اجتماعی بعضاً عواقب ناگواری چون «محرومیت اجتماعی» و «ممنوعیت از منبر، تحصیل و اشتغال دولتی» برای آنان در پی داشته است.

«پانزده سال قبل در یکی از خطبه‌هایی که داشتیم، به یکی از اصول فکری اهل سنت اشاره کردم که همین موضوع باعث شد تا امروز که در خدمت شما هستم من را ممنوع‌المنبر بکنند» (کد ۲۱).

«بارها پیش آمده که پس از اظهار نظر در خطبه‌ها به من تذکر داده شده است. علاوه بر این به زندان، محرومیت اجتماعی، ممنوعیت از تحصیل و ممنوعیت از منبر نیز محکوم شده‌ام» (کد ۱).

ب) وابستگی به مردم و انتظارات غیرفقهی

دشواری معیشتی بزرگترین دغدغه‌ی روحانیان به‌شمار می‌آید. آن‌ها به دلیل نداشتن زمان کافی برای کار، نداشتن حرفه یا مهارت لازم و نبود حمایت دولتی در سخت‌ترین شرایط مالی قرار

دارند و به مردم وابسته شده‌اند. این وابستگی معیشتی بعضاً آن‌ها را با انتظارات متفاوت و متناقضی روبرو ساخته است و بعضاً آن‌ها را بر سر دو راهی انتخاب دین یا دنیا قرار داده است. «ما با کمک‌های مردم زندگی خودمان را اداره می‌کنیم، برای همین هم مجبور هستیم به برخی از خواسته‌های آن‌ها - حتی اگر اشتباه هم باشد - تن بدهیم. این موضوع ناراحتی حکومت را به دنبال دارد» (کد ۷).
«ماموستاها به لحاظ اقتصادی با مشکل مواجه هستند و تأمین زندگی مادی ما به عهده مردم است» (کد ۳).

ج) ارتباط نهادی و زوال اعتماد عمومی

به دلیل ارتباط روحانیان با برخی مراکز و نهادهای رسمی و توجه به بخشی از انتظارات رسمی، جایگاه اجتماعی آنان در اذهان عمومی دستخوش تغییر شده و بعضاً فاصله‌ی آن‌ها با مردم را به همراه داشته است.

«ماموستاها به دلیل شرایط اقتصادی و سیاسی مجبورند با برخی مراکز در ارتباط باشند یا برخی سخنان را بر زبان بیاورند. این وضعیت باعث شده که مورد سوءظن و تحقیر مردم قرار گیرند و جایگاه خود را از دست بدهند» (کد ۱۵).
«متأسفانه ماموستاهای ما در نهایت فقر زندگی می‌کنند و بالاجبار به سمت مراکز چون مرکز بزرگ گرایش پیدا می‌کنند؛ این مسئله باعث بدبین شدن مردم شده» (کد ۱۱).

۵. مقوله هسته: اختلال و نابرابری در شناسایی

در کدگذاری گزینشی برای رسیدن به مقوله‌ی هسته‌ای که از بالاترین سطح انتزاع برخوردار است باید میان مقولات محوری ارتباطی منطقی برقرار شود. به سخن دیگر، در این نوع کدگذاری با نوشتن یک خط داستان که خلاصه‌ی تم اصلی پژوهش است روابط بین مقولات مشخص می‌شود. بر همین مبنا، سعی شد مقوله‌ی هسته‌ای استخراج شده جامع باشد تا بتواند به تمام پرسش‌ها، پاسخ بدهد. مقوله‌ی هسته‌ی پژوهش حاضر عبارت است از «اختلال و نابرابری در شناسایی».

جدول ۶: کدگذاری گزینشی

مقوله هسته	مقوله‌های محوری اصلی	نوع مقوله	مقوله محوری
اختلال و نابرابری در شناسایی	محدودیت منابع در دسترس	زمینه‌ای	تنگناهای معیشتی
		علّی	محرومیت از شهروندی و حقوق اجتماعی
		علّی	اختلال رابطه‌ای و اجبار نهادی
		علّی	زوال مدارای مذهبی و هویتی
		علّی	اختلال کارکردی نهادی
		مداخله‌گر	بی‌اعتمادی سیاسی
		تجربه و درک	سیاست زدگی و سیطره‌ی رویکرد سیاسی - امنیتی
	طرد سیاسی	تجربه و درک	فقدان اثربخشی سیاسی
		پیامدی	زوال اعتماد عمومی
		پیامدی	محرومیت اجتماعی
		پیامدی	وابستگی به مردم و انتظارات غیر فقهی
		تجربه و درک	فقدان اثربخشی سیاسی
بدبینی اجتماعی - سیاسی	پیامدی	زوال اعتماد عمومی	
	پیامدی	محرومیت اجتماعی	
	پیامدی	وابستگی به مردم و انتظارات غیر فقهی	

مطالعات میدانی و داده‌های حاصل از مصاحبه با نمونه‌ای از روحانیان، گویای آن است که تنگنای معیشتی و محدودیت منابع در دسترس به مثابه شرایط زمینه‌ای، محرومیت از شهروندی و حقوق اجتماعی، اختلال رابطه‌ای و اجبار نهادی، زوال مدارای مذهبی و هویتی و اختلال کارکردی نهادی به مثابه شرایط علّی و بی‌اعتمادی سیاسی به مثابه شرایط مداخله‌گر، روحانیان را با «طرد سیاسی» مواجه ساخته است. «محدودیت منابع در دسترس»، «طرد سیاسی» و «بدبینی سیاسی-اجتماعی» به مثابه مقوله‌های محوری اصلی، بر «اختلال و نابرابری در شناسایی» روحانیان دلالت دارد. به زعم اکسل هونت، اعتماد به نفس، کرامت شخصی و عزت نفس ابعاد محوری شناسایی به‌شمار می‌آیند. کرامت شخصی، متضمن آن است که اعضاء جامعه به میانجی بهره‌مندی از حقوق قانونی، مدنی و سیاسی برابر، امکان مشارکت در زیست جهان و ساحت‌های مختلف را داشته باشند. این وجه از شناسایی، توسط نظام سیاسی تحقق می‌یابد. «عزت نفس»، بر همبستگی اجتماعی و پذیرش یا به رسمیت شناختن ارزشمندی فرد در جامعه دلالت دارد. به تاسی از سنخ شناسی هونت، هر چند وجود اهل سنت و عالمان دینی توسط حاکمیت انکار نشده است اما به شکل همه‌جانبه و تمام و کمال به رسمیت شناخته نمی‌شوند

(اختلال شناسایی) و به دلیل تجربه‌ی تبعیض اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با «نابرابری در شناسایی» نیز مواجه هستند (Honnet, 1996: 97)



شکل ۱: مدل زمینه‌ای درک روحانیان از شرایط، تعاملات و پیامدهای کنش‌ورزی سیاسی

بحث و نتیجه‌گیری

با وجود همراهی و مشارکت روحانیان اهل سنت در پیروزی انقلاب اسلامی ایران، زیست جهان آن‌ها در ایران پسا انقلاب با اضطرار، رنج، محرومیت و نادیده‌انگاشته شدن همراه بوده است. بر مبنای یافته‌های پژوهش، «محدودیت منابع در دسترس»، «طرده سیاسی» و «بدبینی سیاسی- اجتماعی» عرصه را برای کنش‌ورزی سیاسی روحانیان و ائمه جماعت محدود و با دشواری‌هایی همراه ساخته است. به دلیل زمینه‌های ساختاری محدودکننده، تجربه و درک روحانیان از کنش-ورزی سیاسی با احساس بی‌قدرتی سیاسی همراه شده است. به‌رغم دغدغه سیاسی روحانیان و تأکید بر تشکیل‌یابی سیاسی به‌مثابه ضرورت فعالیت سیاسی، آن‌ها از مجاری نهادی و کارگزاران نهادی برای پیگیری مطالبات سرخورده گشته‌اند و بدلیل ناامیدی از صندوق رأی و انزوای

سیاسی، به تهذیب فردی و کنش‌های فرهنگی روی آورده‌اند. این یافته همسو با مطالعاتی است که بر روی نحله‌ها و سایر جریان‌های مذهبی اهل سنت در گُردستان به انجام رسیده است. نتایج پژوهش‌های راه حق (۱۳۹۱) و شریعتی و ابراهیم‌زاده (۱۳۹۶) بر روی مکتب قرآن، گویای پرهیز این جریان مذهبی از فعالیت‌های سیاسی، درپیش گرفتن انزوای سیاسی و روی آوردن به تهذیب فردی و کنش‌های فرهنگی است.

بیشتر روحانیان مورد مصاحبه، ضمن مخالفت با رادیکالیسم سیاسی، احزاب سیاسی را بدیلی برای اصلاح کاستی‌ها و بهبود اوضاع می‌پندارند؛ هر چند آن‌ها نسبت به اصلاحات سیاسی امیدوارند و عموماً آن‌را یگانه روش منطقی، شرعی و مسالمت‌آمیز تغییرات می‌پندارند؛ با اینحال از نحوه‌ی عملکرد احزاب و جریان‌های سیاسی اصلاح طلب و اصول‌گرا به دلیل تقلیل و تعلیق مطالبات قومی و مذهبی، ناخرسند بوده و بر فقدان فرصت‌های ساختاری در تشکل‌یابی صنفی و سیاسی اهل سنت اذعان داشتند.

ساخت محدود فرصت‌های سیاسی و سیطره‌ی رویکردهای امنیتی، کنش‌ورزی سیاسی را در نزد روحانیان اهل سنت محدود ساخته است و با نظر به مرجعیت اجتماعی روحانیان برای بخش‌هایی از جامعه و بهره‌مندی از قابلیت بسیج سیاسی، ضرورت دارد تا نگاه غالب به این قشر اجتماعی بازتعریف و بازسازی شود. با وجود آن‌که در قانون اساسی، واقعیت تنوع قومی و مذهبی پذیرفته شده است، اما در سیاست‌های عملی، با رسمیت‌زدایی از اهل سنت، مطالبات اهل سنت به حاشیه رانده شده است و با دیده‌ی تردید به مطالبات هویتی و دینی اهل سنت نگریسته می‌شود. به تاسی از اکسل هونت، بهره‌مندی افراد و گروه‌های اجتماعی از حقوق قانونی، مدنی و سیاسی برابر، پیش شرط مشارکت محسوب می‌شود و در غیاب آن کرامت افراد و گروه‌های اجتماعی خدشه دار می‌شود (Honneth, 1996: 97). در راستای حفظ کرامت روحانیان، تعدیل و دربرگیرنده شدن

رویکردهای امنیتی سیاسی و گشایش فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ضرورت دارد.

مقوله‌ی هسته پژوهش حاضر بر «اختلال و نابرابری در شناسایی» دلالت دارد. اکسل هونت، عدم به رسمیت شناختن را یکی از شکل‌های اختلال رابطه‌ای به حساب آورده است و موجب شکل‌گیری حالت اعتراضی در افراد و گروه‌هایی می‌گردد که هویت خویش را در معرض انکار یافته‌اند (Honneth, 1996: 178). اختلال رابطه‌ای بر نامتقارن شدن مناسبات اهل سنت و نظام سیاسی دلالت دارد و بیشتر مصاحبه‌شوندگان در تفسیر وضعیت حاکم بر روحانیان اهل سنت به مقوله‌ی بی‌اعتمادی سیاسی اذعان نموده و انتظار دارند که مدیریت مذهبی اهل سنت به خود

آنان واگذار شود. از این‌رو، علاوه بر بهره‌مندی از حمایت نهادی، تقویت آزادی بیان و استقلال عمل مساجد ضرورت دارد. در راستای تصدیق و شناسایی اهل سنت و رعایت حقوق شهروندی، بکارگیری شایستگان اهل سنت در مدیریت‌های میانی و کلان و تأمین هر چه بیشتر آزادی‌های مذهبی ضروری به‌نظر می‌رسد.

با ارجاع به تجربه و درک روحانیان مورد مصاحبه، کنش‌ورزی روحانیان در قالب سنخ‌شناسی آلبرت هیرشمن (۱۳۹۴) دشوار است. کنش‌ورزی سیاسی مصاحبه‌شوندگان از سنخ «خروج» فاصله دارد اما بدلیل اختلال و نابرابری در شناسایی، ناامیدی از صندوق رأی و هزینه‌ی سیاسی و اجتماعی همراهی سیاسی روحانیان را نمی‌توان کنش سیاسی «وفاداران» دانست. کنش‌ورزی روحانیان به الگوی «اعتراض» نزدیک است؛ هر چند به دلیل ساخت محدود فرصت‌های سیاسی و محدودیت دسترسی به مجاری نهادی و انتظارات اجتماعی، تریبون مساجد به مجرای اصلی بیان مطالبات بدل گشته است. از طرف دیگر، انتظارات اجتماعی، جدایی و فاصله روحانیان از حاکمیت را تشدید نموده است. به‌رغم انتقاداتی که روحانیان نسبت به ساختار اجرایی و سیاسی دارند، بدلیل فقدان تشکل‌یابی سیاسی اهل سنت، امکان پیگیری نهادی مطالبات در ساحت سیاسی برای روحانیان اهل سنت دشوار است و به لحاظ سیاسی منزوی هستند. قریب به اتفاق این روحانیان راهی جز متابعتِ توأم با مطالبه‌گری را به صلاح ندانسته و بر این باورند که تبعات کنش خروج به پیچیده‌تر شدن وضع موجود می‌انجامد.

منابع

- آجودانی، لطف‌الله (۱۳۸۳)، *علما و انقلاب مشروطیت ایران*، تهران: نشر اختران.
- استروس، انسلم؛ کرین، جولیت (۱۳۹۷)، *مبانی پژوهش‌های کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمین‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳)، ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی، در *هویت، ملیت، قومیت*، گردآورنده: حمید احمدی، تهران: موسسه تحقیقات و علوم انسانی.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۶)، *جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*، تهران: نی.
- توسلی، غلامعباس؛ نجاتی حسینی، محمود (۱۳۸۳). «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۵، شماره ۲، صص: ۶۲-۳۲.
- جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۵)، *فراز و فرود جنبش کردی*، تهران: انتشارات لوح قلم.

- خسروی، جمال و کچویان، حسین (۱۳۹۱). «اسلام‌گرایی در کردستان و چالش‌های ناسیونالیسم کردی و واگرایی؛ علل و زمینه‌ها، نمونه موردی: تطورات گفتمان مکتب قرآن»، *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، سال اول، شماره ۳، صص: ۷۴-۳۹.
- راه‌حق، دنیا (۱۳۹۱)، «بررسی جریان مکتب قرآن و تأثیر آن بر مسائل سیاسی کردستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- سراج زاده، سیدحسین؛ قادرزاده، امید و رحمانی، جمیل (۱۳۹۳). «مطالعه کیفی مذهب و قوم‌گرایی در میان کردهای شیعه و سنی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۵، شماره ۴، صص ۲۹-۳.
- شریعتی مزینانی، سارا؛ ابراهیم‌زاده، سامان (۱۳۹۶). «مکتب قرآن؛ مؤمنانی در نوستالژی «امت» مطالعه موردی کردها در ایران»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره دهم، صص: ۹۹-۷۹
- فوران، جان (۱۳۷۸)، *مقاومت شکننده*، ترجمه احمد تدین. تهران: رسا.
- قادرزاده، امید؛ محمدزاده، حسین (۱۳۹۷). مطالعه پیمایشی هویت‌طلبی قومی و سیاسی‌شدن قومیت کردهای ایران. پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال هفتم، شماره ۱، صص: ۴۴-۱۹.
- قادرزاده، امید؛ محمدی، بهروز (۱۳۹۶)، «کنشگری سیاسی اسلام‌گرایان در کردستان (مطالعه کیفی جماعت دعوت و اصلاح)»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، سال هجدهم، شماره ۳، صص: ۱۶۶-۱۴۳.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات، قدرت هویت*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- مردوخ کردستانی، محمد (۱۳۹۵)، *تاریخ کرد و کردستان*، سندنج: شوان.
- محمدزاده، حسین (۱۳۹۰)، «انواع قوم‌گرایی در میان کردهای ایران»، رساله دکترای جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- هیرشمن، آبرت (۱۹۷۰)، *خروج، اعتراض و وفاداری*، ترجمه محمد مالجو، تهران: شیرازه کتاب.

- Entessar, N. (1992). *Kurdish Ethnonationalism*. The United States of America: Lynne Rienner Publishers.
- Ezzatyar, A. (2016). *The Last Mufti of Iranian Kurdistan*. Islamabad, Pakistan: palgrave macmillan.
- Van Bruinessen, M. (1992). *Agha, Shaikh and State: The Social and Political Structures of Kurdistan*. London: Zed Books.
- Honneth, A. (1996). *The struggle for recognition: the moral grammar of social conflicts*. Cambridge: polity press.
- Honneth, A. (1992). "Integrity and disrespect: principle of conception of morality based on the theory of recognition", *Political Theory*, 20(2):187-201
- Milbrath, L. W. (1965). *Political participation: How and why do people get involved in politics?* Chicago: Rand McNally & Company.